

منطق حقوقی

بنحویکه در مقاله قبل (شماره ۲۷) وعده داده بودیم اینک صحبت ما درباره منطق حقوقی است، ولی ناگزیر بتذکر این نکته هستیم که فهم سریع بعضی از مطالب این مقاله بویژه مضمی از اصطلاحات و مفاهیم ذهنیه از قبیل جمله گیری ، جمله صوری ، حکم، موضوع، محمول، حد و غیره مستلزم آشنائی مختصری با قواعد علم منطق است چه آنکه همین اصطلاحات و مفاهیم ذهنی مصطلح در قواعد علم مذکور است که در علم منطق حقوقی بکار رفته اند .

بسیار جای ناسفاست که در بعضی موارد ، یعنی آن مواردی که موضوع بیشتر جنبه علمی داشته و آگاهی بمقدمات آن علم ضرورت دارد ، نمی توانیم موضوع را ساده تر از آن چه نوشته ایم بنویسیم . این جانب عقیده راسخ و ثابت دارد که يك نفر نویسنده باید بقدری مطالب را ساده بیان کند و منظور خود را تشریح نماید که تمام طبقات و قشرها و تمام دستجات و صنوف بتوانند با آسانی آن مطالب را ضبط و درک کنند .

سابقا عادت بر این جاری بود که عبادت را هر چه پرنج تر و پیچیده تر بیان کنند تا از این رهگذر مقام علمی خود را بزرگ جلوه دهند . ولی امروز نویسندگان را عقیده ای مخالف بر این روش نویسندگی است چه تنها دانستن مطلبی کافی نیست بلکه این مسئله که بتوانند آنچه را که می دانند خوب بیان کنند و آن را بدیگران بفهمانند خود علم جداگانه ایست . بنا بر این اگر کسی نتوانست این وظیفه را بعهده بگیرد نقضی در پایه معلومات و سیستم نویسندگی اوست . ما با این جامعه سروکار داریم و ساولی از مجموعه سلول پیکر این اجتماع هستیم باید همانطور که مردم میخواهند و می فهمند سخن بگوئیم و لا غیره . ولی گاهی اوقات اتفاق می افتد که نویسنده در مومئینی قرار میگیرد که نمی تواند این وظیفه را کاما حقه بعهده بگیرد و شاید هم نوشته او مورد انتقاد واقع شود .

اینک ما هم در همین بن بست و موقعیت ناسازگاری هستیم چه آنکه موضوع مقاله مستلزم دانستن مقدمات علم منطق است . البته می دانیم که اکثر فضا و و کلاء بعد کافی آشنا ب علم منطق هستند ولی ممکن است در بین آنها ندرتا افرادی پیدا شوند که کمتر با این علم تماس داشته باشند در اینصورت ممکنست این مقاله برای آنها ثقیل باشد و نقش را در نوشته نویسنده بیاورد .

برای این جانب امکان ندارد که در این مقاله جزئیات مطلب را توضیح دهد چه

این مسئله خود مستلزم رساله یا یک کتابی جداگانه است و در یک مقاله باین اختصار نمی توان این منظور را تأمین کرد . در اینصورت از تشریح کامل اصطلاحات معذوریم .
 باری ، اینست آنچه از کتاب استاد خود پرسور کلود دو باکیه در مورد منطق حقوقی ترجمه کرده ایم که بشرح زیر از نظر خوانندگان میگذرد :

اعمال حقوق

میکانیسم (طریقه عمل) اعمال حقوق

Mécanisme de l'application du droit

تربیف ذهنی Notion - مقصود ما اینست دادن مکانیسم (طریقه عمل) اعمال حقوق در ساده ترین شکل اصلی آنست .

اعمال یک قاعده عبارت از انطباق یک مورد خاص و غیر مجرد (برون ذهنی)
 Cas particulier et concret با حکم متضمن در یک قاعده عام و مجرد (درون ذهنی)
 La règle abstraite است قاضی جزائی که یک کلاه بردار را محکوم میکند درباره مقصر آن قاعده ای را اعمال می کند که منتهی بتنبیه مقصر میگرد . کارمند فدرال که نشان افتخار کشور بیگانه را رد میکند در مورد خود ماده دوازده قانون اساسی فدرال اعمال مینماید .

هنگامی که سوییس دسته های جنگی را که در سرحدات کشور پناهنده شده در داخل کشور جای دهد ماده بازده قرارداد هیجده اکتبر هزار و نصد و هفت لایه را که راجع بحقوق و تکالیف دولت ها و اشخاص بی طرف در زمان جنگ است درباره خود اعمال کرده است .
 پس این اعمال متضمن یک گذرگامی (مبر) از مجرد غیر مجرد (یعنی از معناییین) از عام بخاص است . بطور خلاصه یک استنتاجی از طریق کل بجز است . ازار کار این استنتاج قیاس است .
 در زبان آلمانی این عمل را که عبارت از قراردادن عین یا غیر مجرد (مورد خاص یا برون ذهنی) تحت سلطه قاعده ایست سو بسومسیون Subsumtion نام داده اند .

قیاس حقوقی -- بطوری که تمام رساله های علمی در مورد منطق شرح میدهند مسئله قیاس بدوا از دو جمله تشکیل می شود که آنها جمله گیری صغری هستند . هر یک از این جمله دو جمله دارند که یکی از آنها مشترك در جمله صغری و کبری است .
 سپس یک جمله سومی پیدا می شود که نتیجه در آن است . مثال کلاسیک با سامیه آن این است : تمام افراد انسانی فنا پذیرند - پول Paul یک نفر انسان است - بنابراین پول فنا پذیر است .

قیاس حقوق هم میتواند با همین سادگی وجود پیدا کند . مثلا : طبق ماده ۴۵۷ قانون مدنی سوییس « نزدیکترین وراث اولادان (متوفی) هستند » - پول Paul وژان Jean اولادان مرده هستند - بنابراین پول وژان وراث هستند .

قیاس در امور حقوقی متعدد - مهندا علی قیاس غالباً پیچیده تر است اینک میباید آنچه در بارگراف نوزده راجع به تاسر قاعده حقوقی ، با التفصوس در بازه تقسیمات این قاعده حقوقی در مورد امور حقوقی و حکم (شرایط اعمال قاعده حقوقی و اثرات آن) بیان داشتیم رجوع کرد . جمله گیری قیاس متضمن (محمول) قاعده حقوقی است . حدین آن - که گاهی اوقات

فرومی دارند - امور حقوقی (Tabestand) - حکم آتد - جمله صغری مویت امور مدنی (فهر مجرد بایرون ذهنی) و امور حقوقی را محقق میدارد . نتیجه آن اثراتی که بوسیله محمول جمله گیری بیان شده بامور عینی (غیر مجردات با مصداق) انتقال میدهد .

یک مثالی از رویه قضائی دادگاهها را در نظر بگیریم : ماده ۳۷۱ قانون مدنی سویس مقرر دارد : « هر باثقی که بیک سال یا بیشتر محکوم بمجازات سلب آزادی بشود . قیمی برای او ترتیب داده خواهد شد »

« مقامات مامور اجرای رای دادگاهها موظف اند که بدون تاخیر شروع اعمال مجازات در مورد محکوم را بمقامات صلاحیتدار اطلاع دهند . »

برای اینکه اعمال این ماده امکان داشته باشد لازم است که :

- الف - شخصی که برای او یک قیمی تعیین شده بالغ باشد . - در غیر اینصورت احکام مربوط بقیم صفار را میبایست اعمال نمود
- ب - این شخص تنها بازداشت نباشد بلکه محکوم شده باشد .
- ج - محکومیت منضم بیک مجازات سلب آزادی باشد (حبس ، حبس با کار و غیره)
- د - مدت این مجازات یک یا بیشتر از یکسال باشد .
- ه - اعمال مجازات درباره محکوم شروع شده باشد .

محمول این پنج امر حقوقی جمله گیری قیاس را تشکیل میدهد . مقامات قیمومت که باید تعیین نمیکند باید مطمئن باشند که امر حقوقی در مورد شخص محکوم (س) تحقق پیدا کرده اند . در صورت مثبت بودن امر مقامات قیمومت جمله صغری قیاس را تشکیل می دهد . - بعنوان نتیجه مقام نامبرده اعلام میدارد که اقتضای امر برای شخص (س) یک قیمی تعیین شود . چنانچه فقط یکی از این پنج شرط اعمال قاعده کسریانند ، مثلا در مورد متهم هنوز در دادگاه قضاوتی نشده باشد ، بنسبیت عدم تحقق امور حقوقی (ب) و (ه) ممکن نیست ماده ۳۷۱ اعمال شود .

قیاسات متوالی - هنگامی که شرایط اعمال یک قاعده مستلزم آنست که قواعد دیگری قبلا اعمال شده باشند امر استدلال بیک سلسله از قیاسات متوالی تجزیه می شود . « اگر بهثال قبل (شماره ۱۱۵) کتاب یعنی آن خریداری که باو بیع میبوی تسلیم شده بود برگشت کنیم سلسله ذیل را می توان تشکیل داد :

الف - بیع عقدی است که بدان وسیله فروشنده متعهد می شود در ازاء متهمی که خریدار نسبت بپرداخت قیمت مینماید بیع را باو تسلیم نموده و مالکیت آنرا باو منتقل کند (ماده ۱۸۴ قانون تمهیدات سویس ، ماده ۱۵۸۲ قانون مدنی فرانسه) .

شخص (س) متعهد شده است که فلان کالا را تسلیم شخص (ط) نموده و مالکیت آنرا در ازاء تمهدی که (ط) نسبت بپرداخت قیمت مینماید باو منتقل نماید - بنابراین (س) فروشنده است و (ط) خریدار .

ب - خریدار تمهد دارد که پس از تحویل شیئی آنرا بمحض امکان بازجوئی نماید . چنانچه معاینی کشف کند که فروشنده ضامن آن است میباید بدون تاخیر مراتب را باو اطلاع دهد . در غیر اینصورت شیئی قبول شده تلقی شده است (ماده ۲۰۱ قانون تمهیدات سویس ، ماده ۱۶۴۸ قانون مدنی فرانسه شخص (ط) متاع را بمحض تحویل بازجوئی کرده و فوراً معايب را بشخص (س)

گوشه کرده است. بنابراین این استناد در مورد شخص (ط) که متاع را قبول کرده است صادق نیست.

ج - فروشنده موظف است که بیک اندازه مساوی نسبت باوصاف موعود و معایبی که ارزش وفایده پیش بینی شده شیئی را ازین میبرد در مقابل خریدار نمائت نماید ... (ماده ۱۹۷ قانون تعهدات سوئیس، ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه) .
معایبی که بوسیله شخص (ط) کشف شده و گوشه گردیده است ارزش شیئی را ازین میبرد.
بنابر این شخص (ص) در برابر شخص (ط) نسبت باین معایب

ضامن است .

د - در مورد ضمانت بلعاط معایب شیئی، خریدار می تواند بایمجدوا فسخ کند یاخواستار تخفیف قیمت شود (ماده ۲۰۵ قانون تعهدات سوئیس، ماده ۱۶۴۴ قانون مدنی فرانسه) فروشنده (ص) در برابر خریدار (ط) ضامن معایب متاع است . بنابراین (ط) میتواند یا فسخ یا تخفیف قیمت را انتخاب کند .

چنانچه خواسته شود که شرایط مختلفی ای که قواعد مشروحه فوق ، از جمله قاعده ماده ۲۰۵ ، بستگی بآنها دارند مانند يك دسته ای از كل با هم مجتمع شوند گفته خواهد شد :

- ۱ - چنانچه يك بیعی بین دو شخص منعقد شده باشد (ماده ۱۸۴) .
- ۲ - چنانچه متاعی که بوسیله فروشنده تسلیم شده است بواسطه معایبی که يك قسمت مهم ارزش آنرا ازین میبرد ملغوب شده باشد (ماده ۱۹۷)
- ۳ - چنانچه خریدار معایب را بازرجویی کرده در وقت مقضی آنها را گوشه کرده است (ماده ۲۱۰) .

بنابر این قبل از آگاه کردن خریدار از حق فسخ یا تخفیف قیمت میباید باین امر رسیدگی کرد که آیا این شرایط در مورد خاص بامورد غیر مجردی (برون ذهنی) Cas concret جمع شده اند یاخیر ، یعنی خریدار از مصداق قاعده فوق هست یاخیر

بدین ترتیب سلسله قواعدی که در شماره ۱۱۵ در مورد اعمال حقوق بیان داشتیم ظاهر می شود .

بازجویی امور حقوقی - از تجربه تحلیلی که فوقا بکار بردیم این نتیجه میشود که حقوقدانان قبل از اعمال قاعده حقوقی میباید بمقابله امور حقوقی این قاعده و عناصر عینی مورد غیر مجرد (مصادیق خارج) مبادرت نمایند . فقط اگر مورد مجرد با درون ذهنی (یعنی قاعده) با مورد غیر مجرد با برون ذهنی (یعنی مورد خاص) منطبق گردید آن قاعده حقوق قابل اعمال است .

بنحوی که در شماره ۱۱۳ ملاحظه شد ممکن است رسیدگی مستلزم يك بررسی ساده اموردی (قضایایی) Lesfait باشد که لازم نیست شامل امور مادی باشد بلکه ممکن است شامل امور روانی مانند قصد یا حسن نیت باشد . همچنین ممکنست که این رسیدگی متضمن آن راه حلی باشد که مربوط بیک مسئله حکمی یا قانونی است (طبیعت نقد ، اعتبار بک وصیت ، وجود يك حق عینی ، قابل اعمال بودن يك قانون در مورد اصحاب دهمی ، وصف حقوقی يك موضوعی) .

اعمال حکم قاعده . - توجه این امر که فلان مورد غیر مجرد (برون ذهنی) بامورد خاص همان امر قضایی قاعده است نتیجه اش اعمال حکم قاعده حقوقی میباشد . گاهی اوقات

این حکم يك دامحل صاف و ساده را تحمیل مینماید ، یعنی ملزم به اطاعت يك نصیبی که اتخاذ شده است مینماید بدین قرار است آن موقعی که قاعده ای حکم را سریعاً و بدون امکان انتخابی انشاء میکند مثلاً : مجازات اعدام . برای شخص قاتل طبق ماده ۳۰۲ قانون جزای فرانسه ، تحصیل حق بلد برای زن هنگام ازدواج از شوهر (قانون اساسی فدرال ش ۴ ماده ۵۴) از این قبیل اند . ولی غالباً لزوم دارد که يك اراده قاطعی دخالت در امر نماید . ممکن است که آن اراده ناشی از يك شخص ذینفع باشد . بدین ترتیب هر گاه بموجب يك عقد دو طرفه ای مدیون تمهد خود را انجام نداده باشد ، داین میتواند آن راه حل هایی را که ماده ۱۰۷ قانون تمهدات سوئیس به او نشان داده انتخاب کند . همچنین اکثراً قاضی باید اتخاذ تصمیم بنماید . قاضی جزائی تعیین مجازات را میکند که فقط کادر آن مجازات بوسیله قاعده حقوقی تعیین شده است .

قاضی مدنی بطریقه جبران خسارت معنوی را در موردیکه يك ضرر فاحشی بمتافع شخصی خواهان وارد آمده است تعیین مینماید (ش ۲ ماده ۴۹ قانون تمهدات سوئیس) و مبلغ غرامت را بکیفیت های بی شماری تعیین کند . همچنین مقامات صالحه اداری جهت اظهار نظر دعوت میشوند مثل اینکه قوه مجریه تاریخ انتخابات را بر حسب دستورات کلیسی قانون یا قانون اساسی تعیین می نماید .

اخبار کانون و کلا

(۱۶) - در جلسه ۳۱۹۲۲ آفای دکتر شامکار جریان اقدامات هیئت منتخبه را در کمیسیون مامور مطالعه طرح استقلال کانون توأم با تأکید آقایان سعیدی نوری و سرمدگرازش داد . خلاصه آنکه کمیسیون با طرح پیشنهادی کانون موافق نیست و لازم می داند موادی شامل کلیات در این زمینه تهیه گردد و در جلسه ۳۱۹۰۴ طرحی در ۱۳ ماده تهیه و پیشنهاد نمود که در آن جلسه در جلسه ۳۱۹۰۴ (که بطور فوق العاده منعقد بود) مورد شور و مذاکره قرار گرفت و در نتیجه طرح مزبور با اصلاحاتی که محل آمد مشتمل بر ۱۶ ماده ذیل تصویب گردید که بجای طرح سابق پیشنهاد شود .

لا یجوز قانونی استقلال کانون و کلا دادگستری

ماده ۱- کانون و کلا دادگستری ، وسه ایست مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می شود . در نقاطی که هنوز کانون و کلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط باین است که در آن حوزه اقلاً ۶ نفر وکیل دادگستری بوکالت اشتغال داشته باشند و تا وقتی که عد و کلا بعد نصاب مزبور نرسیده و کلا آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون و کلا مرکز خواهند بود